

با درود های گرم و اندوه بی پایان !

یکسال قبل بتاريخ ۲۴ / دسمبر / ۲۰۲۰ دست ویرانگر اجل گل شکوفای زندگی و پرواز کبوتر سپیدبال آرزوهای برادرم « عزیزالدین عزیزی » را پرپر کرد و اندوهی بیکران بر قلوب داغدار ما گسترده. زیرا برادر، ارشدم پس از پدر پشتوانهء قوی و مستحکمی برای هر یک از اعضای خانواده ما بود و با سفر بی برگشت خود زندگی ما نیز چندان روشنایی را لمس نمی دارد. یکسال در نبودش درد و رنج بیشمار کشیدم و تا اکنون باورم نمی شود چنان مردی با قامت استوار و روح سرشار



از ایده و آرمان به یگبارگی در طی هزاران خروارخاک و برای همیشه بخوابد، آری تقدیرهریک ما همین است، جز صبرچاره نیست به قول سعدی(ع).

بخت بازآید از آن در که یکی چون تو درآید = روی میمون تو دیدن در دولت بگشاید

صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را = تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

سینه معصوم «عزیزی» از عشق به رنجبران برای آزادی، ترقی، تعالی و عدالت اجتماعی پر بود، شخصی که تا لحظه های مرگش، تمام غم و غصه هایش را در طی قلبش غنوده نگهداشت و به کسی درد های واقعی و درونی را باز گو نمی کرد، از دست آدم های دوپا و دو دست و اما فارغ از احساس و وفا، نه یکبار که بارها دلش را شکسته بودند غصه مند بود و با دل پر غصه و خون رهسپار ابدیت شد.

برادرم ! بخواب که برای ابد راحتی و اما اینجا دنیای که ما زندگی داریم هیچ چیز تغییر نه نموده هنوز آدم های بی وفا و دل شکسته زیاد هستند به مانند شبی می مانند که ستارگانش نه یک بلکه صدها بمن از راه دور چشمک می زنند و اما چون آفتاب، نور و روشنایی گرم کننده ندارند. آنطوریکه تو آرزو داشتی برآورده نشده یعنی محبت، دوستی وفا، و عیاری خیلی کم رنگ تر از دیروز است، زیاد آدم های دوپا و دو دست حرفهای روبنایی می زنند و حرف های خیلی چرب و گرم میان یکدیگر تبادل می دارند ولی چند روز بعد تو گویی فراموششان میشوند که چه بر زبان آورده بودند به یک خلاء کوچک پوستین می سوزانند. در حالیکه زمان تو این چنین نبود، گفته اند: « بد از بدترش توبه .. ».

من مرد شکسته دل و داغیده ام = کز ماتم برادر خود قد خمیده ام

عزیزان و یاران ! حرف های بیشمار و لایتناهی دارم و اما ترس از آن دارم که بی قراری من روح پاک برادرم را آزرده خواهد ساخت و این درد به دل نمی گنجد و تنها اشکها می توانند تسلی خاطر من باشند، کنون ضرب المثلی بیادم آمد که گفته اند: « یکی خانه اش آتش گرفته بود و دیگری بر آتش گنجشک کباب می کرد ».

در مورد زنده یاد «عزیزی» میتوان زیاد پرداخت و هر برگه زندگی شان مشحون از کار و پیکار است زیرا زنده یاد مربوط به خانواده از مبارزینی بود که جانهای شریفشانرا در راه ترقی و تعالی افغانستان توسط رژیم های سیاه و منفور از دست دادند .

رفتی ز دیده و داغت به دل ماست هنوز = هرکجا مینگریم روی تو پیداست هنوز

آنقدر مهر و وفا بر همگان گردی تو = نام نیکت همه جا ورد زبانست هنوز

زنده یاد «عزیزالدین عزیزی» را بسیاری از رفقا ، دوستان و یاران و اقوام می شناسند که اگر لازم دانستند خواهند نوشت ، زیرا عزیزی با سلوک نیک و کرکتر عالی که داشت میان فراوان عیاران منزلگاه شامخ داشت.

در اخیر یکبار دیگر وفات برادرم «عزیزی» را برای بازماندگان، خانواده، رفقا و دوستان صبر و تسلیت عرض میدارم و آرزو دارم تک تک شما عزیزان با صحتمندی و موفقیت زیست بدارید. / «سراج ادیب»